

نوشته: دابلیو. پرنیس

ترجمه و تلخیص: جواد مهیار

به نقل از: Musiqi Dunyasi No 2(3)- 2000

javad_kass@yahoo.com

گرامافون به شرق می رود

من مدت شش ماه روی پروژه‌ای کار می‌کردم که منابع تحقیقی آن مبتنی بر اطلاعات کلکسیون موسیقی بین الملل (IMC) بود. بعلاوه بیش از ده هزار صفحه ۷۸ دور (سنگی) نیز در دسترس من قرار داشت. در بین این صفحه‌ها به ۴۶ صفحه ده اینچی برخوردیم که آشنایی با آنها برایم بسیار جالب توجه بود. همه این صفحه‌ها پیش از جنگ جهانی اول و به وساطت نمایندگی کمپانی گرامافون در تفلیس در قفقاز و ترکستان پر و منتشر شده بودند.

شروع فعالیت کمپانی گرامافون در تفلیس به سال ۱۹۰۱ میلادی بر میگردد. متأسفانه جنگ جهانی اول و پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه سبب شد فعالیت این شرکت در روسیه، در سال ۱۹۱۸ میلادی متوقف گردد.

به نظر من، مجموعه یادشده عتیقه‌هایی گرانبها و میراثی فرهنگی و ارزشمند است که در آن زمان و در حوالی محل تولید آنها به فروش رسیده‌اند. نکته عجیب آنست که این صفحه‌ها چگونه سر از آرشیو کلکسیون موسیقی بین الملل (IMC) درآورده‌اند. ما فقط میدانیم که دختر آقای "ام. فیلیپس پرایس"، اقتصاددان، جهانگرد و روزنامه نگار معروفی که در سال ۱۹۱۲ میلادی به سیبری سفر کرد این صفحه‌ها را سالها بعد به IMC اهدا کرده است. در این سفر "داگلاس کاروترز" که نویسنده و جغرافیدان بود، پرایس را همراهی میکرد. آنها احتمالاً در سال ۱۹۱۲ تا سرزمینی که اکنون مغولستان نام دارد، سفر کرده‌اند. طبیعی است که فرض کنیم پرایس در مسیر این سفر، هر جا که با صفحه‌ای برخورد می‌نموده است، آنرا تهیه کرده باشد و مجموعه حاضر، حاصل همین تلاش علاقمندان اوست. خوشبختانه من از اطلاعات رایانه‌ای کمپانی گرامافون استفاده خوبی کردم و شماره قالب (ماتریکس) های صفحه‌ها- که بر روی بدنه و درفاصله بین لیبل و شیار چرخش آزاد سوزن (run off groove) حک شده‌اند- در این میان بسیار کارساز بودند. در نتیجه اکنون می‌دانیم که در این مجموعه، یک روی یک صفحه ده اینچی توسط "ویلیام سینکلر داربی" آمریکایی در سال ۱۹۰۱ میلادی و سه روی دیگر توسط "فرانتز هامپ" اهل برلین و در سالهای ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ پرشده‌اند. سیزده روی صفحه نیز بوسیله "ماکس هامپ"، برادر کوچکتر فرانتز هامپ در ۱۹۰۹ و دو روی صفحه هم توسط "ادموند جیمز پیرس" انگلیسی در سال ۱۹۱۱ میلادی پرشدند.

برنامه‌ریزی سفارش سالیانه در ۱۹۰۹ برای ضبط ۷۵ اثر توسط هامپ و درج محل ضبط بر روی لیبل صفحه‌ها، مسیر حرکتی بالغ بر ۳۰۰۰ مایل را برای ضبط در نقاط مختلف مشخص می‌کند. آغاز

کار از شمال قفقاز، سپس به تفلیس در گرجستان بود و با استفاده از راه آهن موجود، سپس به سوی جنوب و "الکساندرپول" (گیموری) در ارمنستان و از مسیر آذربایجان (جنوب قفقاز) و پیمودن عرض دریای خزر به "مرو" در ترکستان و از طریق "بخارا"، "سمرقند"، "تاشکند" و شهرهای کوچک دیگر تا ترکستان چین یا سین کیانگ ادامه یافت. "تی جی. تنوبالد نوبل" که برنامه مشابهی را برای ضبط صفحه برای کمپانی "پاته" در همین مناطق برعهده داشته، از سختی‌های این کار و مثلاً هشت ساعت سفر برپشت اسب در کوهستان‌های قفقاز برای ضبط یک اثر، گزارش داده است.

بازار اولیه برای گرامافون، شهرهای در مسیر راه آهن به ترکستان بودند و کمپانی گرامافون در صد توسعه فعالیت خویش برمی آمد. مدیر شرکت گرامافون در تفلیس در آن زمان، شخصی به اسم "فرد تایلر" بود. او در نامه ای که در سال ۱۹۱۱ به دفتر لندن نوشته از مشکلات سفر در آن منطقه و حمل گرامافون و صفحه برپشت اسب و قاطر سخن به میان آورده است. او شهر به شهر گرامافون و صفحه‌ها را می‌برد تا بتواند آنها را به مردم معرفی کند و به فروش برساند.

صفحه‌های مورد مطالعه ما در IMC حاوی موسیقی تمام گروه‌های نژادی و ملی در آسیای مرکزی هستند. موسیقی چچن، اینگوش، کومیک، کاباردین و اوستیا در کنار موسیقی و آثار گرجی، ارمنی و فارسی تاتاری (تاتاری) در این صفحه‌ها مشاهده می شوند. هنرمندانی از افغانستان و چین نیز آثاری بر روی این صفحه‌ها دارند.



سفر آقای "هامپ"، سفری بسیار هیجان انگیز بوده است. او در سال ۱۹۰۹ در تفلیس با "بگرات، بگرامف" خواننده مقیم تفلیس آشنا شد. بگرات، خواننده‌ای محبوب بود که درسفرهای قبلی نمایندگان کمپانی گرامافون نیز صفحه‌هایی ضبط کرده بود و در آن سال ۳۰ عنوان صفحه دیگر ضبط کرد که به همراهی دو نوازنده دودوک، در نه اثر به زبان ارمنی، در هفت صفحه به زبان گرجی و در ده

اثر به زبان فارسی تاتاری خوانده و در چهار صفحه، دایره نواخته است. در آن زمان، تفلیس شهری بسیار مهم در آن منطقه محسوب میشد. هنرمندان ارمنی و گرجی، غالباً دوست داشتند در این شهر فعالیت کنند. از سوی دیگر فعالیت گروهی از هنرمندان آذری- که برخی از آنها ایرانی‌الصل بودند- نیز در تفلیس متمرکز شده بود. از بین این هنرمندان میتوان "جبار قاریاغدیف" را نام برد که به استناد یک کاتالوگ متعلق به آن هنگام از کمپانی گرامافون، در ماه مه سال ۱۹۰۹ بالغ بر ۲۵ اثر از وی ضبط می شود که در اکتبر همان سال ۱۲ اثر از آن مجموعه، تولید و منتشر می گردد. در واقع "هامپ" در فاصله

آوریل و سپتامبر آن سال ۶۰ ساعت موسیقی ارزشمند آن منطقه را ضبط کرد که ۵۵ ساعت از آنها بصورت صفحه های ۱۰ و ۱۲ اینچی روانه بازار شد.

جبار قاریاغدیف



کار و بار صفحه در قفقاز و تفریس آن زمان بسیار پررونق بود و مردم به موسیقی علاقه وافری داشتند. از همه جالب تر استفاده از صدای خانم‌های خواننده بود که ضبط آن با مشکلات زیادی روبرو می شد. "تایلر" در خاطراتش می نویسد: "برای ضبط صدای خانم‌ها معمولا مشکلاتی داشتیم و تنها می توانستیم خانم‌ها را در فضاهای خصوصی خودشان ملاقات کنیم. زنهای مسلمان در محافل عمومی ظاهر نمی شدند و در ضمن دوست نداشتند اسم واقعیشان بر روی صفحه ها درج شود."

"ادموند جیمز پیرس" در سال ۱۹۱۱ میلادی موفق می شود صدای یک زن را در خانه اش در سمرقند ضبط کند که اتفاقی بسیار نادر محسوب می شد. پیرس از نتیجه کارش بسیار خوشنود بود و در یادداشت‌هایش از آن با افتخار یاد کرده است. اگرچه کمپانی گرامافون هدف تجاری خود را که مبتنی بر فروش گرامافون بود، در آسیای میانه تعقیب می کرد و برای این منظور، کاتالوگ‌های متنوعی از محصولات خود را چاپ کرده و در اختیار مردم قرار می دادند اما فعالیت شرکت گرامافون از نظر فرهنگی نیز تاثیرات عمیقی برجای گذاشت. اکنون این صفحه‌ها را می توان در وهله اول، بخشی از میراث فرهنگی آسیای مرکزی و در وهله بعدی، میراثی جهانی محسوب کرد.

